

ماهیت و مبانی فقهی غنا

در موسیقی

www.ketab.ir

دکتر رضا رنجبر

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز



انتشارات نوشناخت

سرشناسه	: رنجبر، رضا، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: ماهیت و مبانی فقهی غنا در موسیقی / رضا رنجبر؛ ویراستار فنی و صفحه‌آرا لعلیا هاشمی‌اقدم.
مشخصات نشر	: تهران: نوشتا، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۱۳۰ ص.
شابک	: ۳-۱-۸۳۶۶۰-۹۶۴-۹۷۸-۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۲۹] - ۱۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: موسیقی (فقه)
موضوع	: Music (Islamic law)
موضوع	: اسلام و موسیقی
موضوع	: Music -- Religious aspects -- Islam
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۰۷.۲۹۳/۸۲/ر
رده‌بندی دیوبی	: ۲۹۷/۲۰۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۰۰۷۸

ماهیت و مبانی فقهی غنا در موسیقی

دکتر رضا رنجبر

ویراستار فنی و صفحه‌آرا: لعلیا هاشمی‌اقدم

ناظر چاپ: معصومه فاطمی

ناشر: انتشارات نوشتا

چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ است.



انتشارات نوشتا

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و ابوریحان،

بن‌بست مهارت، خانه هنر، پ ۴، واحد ۱۳.

تلفن: ۰۹۳۸۹۵۱۵۹۹۳

www.noshenakht.com

info@noshenakht.com

۱۱	مقدمه
----	-------	-------

فصل اول: مفاهیم و اصطلاحات

۲۱	(۱) غنا
۲۱	(۲) موسیقی
۲۳	(۳) لحن و آهنگ
۲۴	(۴) طرب و دگرپ
۲۴	(۵) صوت
۲۴	(۱-۵) ارتفاع صوت
۲۵	(۲-۵) انواع صوت
۲۵	(۱-۲-۵) صوت حسن و اصوات موسیقی
۲۵	(۲-۲-۵) صدا:
۲۶	(۳-۲-۵) صوت ساده
۲۶	(۴-۲-۵) صوت مرکب

فصل دوم: ماهیت و مقوله غنا

۳۹	بخش اول: ماهیت غنا
۴۶	بخش دوم: مقوله غنا؛ کلام یا کیفیت؟

فصل سوم: آرای فقهای شیعه در باب غنا

۵۳	بخش اول: بررسی آرا و ادله قائلین به حرمت فی نفسه غنا
۵۳	دلیل اول: اجماع
۵۵	دلیل دوم: آیات قرآنی
۶۰	دلیل سوم: احادیث
۷۰	نتایج بررسی روایات
۷۱	بخش دوم: بررسی آرا و ادله قائلین به حرمت فی نفسه غنا

۷۱ اقوال فقها
۷۱ ۱- نظر شیخ طوسی (۴۶۰ه.ق.)
۷۲ ۲- قول مرحوم محقق سبزواری (۱۰۹۰ه.ق.)
۷۳ ۳- نظر مرحوم فیض کاشانی (۱۰۹۱ه.ق.)
۷۴ ۳-۱) شیخ انصاری (۱۲۸۱ه.ق.)
۷۵ ۳-۲) امام خمینی ^(ره) (۱۳۶۸ه.ش.)
۷۵ ۴- نظر ملا محمد شعرانی (۱۳۹۳ه.ق.)
۷۶ دلایل اثبات غنا
۵۵ نتایج

فصل چهارم: آرای مذاهب چهارگانه در مورد غنا

۸۹ بخش اول: آرای علمای اهل تسنن
۹۱ بخش دوم: ادله اهل تسنن برای علیت غنا

فصل پنجم: آرای ارفای اسلامی در باب غنا

۹۵ بخش اول: سماع و غنا از دیدگاه عرفان و تصوف
۱۰۰ بخش دوم: تطبیق آرای فقها و اندیشمندان صوفیه در زمینه غنا

فصل ششم: موسیقی از منظر امام خمینی^(ره) و فقه معاصر

۱۱۰ گزیده استفتائات از حضرت امام ^(ره) درباره موسیقی
۱۱۳ آرای فقهای معاصر در زمینه غنا
۱۱۳ ۱- نظر شیخ بهایی (۱۰۰۰ه.ش.)
۱۱۴ ۲- کلام آیت الله محمد رضا اصفهانی (۱۳۶۲ه.ق.)
۱۱۴ ۳- رأی آیت الله بروجردی (۱۳۴۰ه.ش.)
۱۱۴ ۴- دیدگاه شهید مطهری (۱۳۵۸ه.ش) درباره هنر موسیقی و غنا
۱۱۵ ۵- نظر آیت الله خویی (۱۳۷۱ه.ش.)
۱۱۶ ۶- کلام آیت الله حاج شیخ میرزا جواد تبریزی (۱۳۸۵ه.ش.)

فهرست مطالب | ۹

۱۱۶..... ۷- نظر آیت‌الله بهجت (۱۳۸۸ ه.ش).

۱۱۶..... ۸- نظر آیت‌الله صانعی (در قید حیات).

۱۱۷..... نتایج

۱۲۱..... فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه

غنا یکی از موضوعات و مسائل پیچیده فقهی بوده و می‌باشد. پیچیدگی تعیین تکلیف انسان‌ها از جهت حکم شرعی آن وقتی احساس می‌شود که از یک طرف این موضوع جنبه هنری و از طرف دیگر جنبه نظامی و از سوی دیگر بعد درمانی و حتی ابعاد بیش‌تری به خود می‌گیرد.

وقتی وارد عرصه فلسفه می‌شویم مشاهده می‌کنیم که اینها خود نیز موسیقی سازی و آوازی مجالس لاهوتی را با سایر با شآن انسانی هنرمند دانسته و این نوع موسیقی‌های سازی و آوازی را اسباب ستایش انسان از درجات کمالی انسان معرفی می‌کنند. مراجعه به کتاب «هشت گفتار در فلسفه موسیقی» نوشته استاد داریوش صفوت و آثار صوتی و نوشتاری استاد مجید کی و ... مؤید مطلب فوق است.

شهید مرتضی مطهری در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام مطلبی در این‌مورد آورده است که: «غنا ضرب‌المثل مسائلی است که فقها و اصواتین به‌عنوان موضوعات مجمل؛ یعنی موضوعی که حدودش مفهوم و مشخص نیست به‌کار می‌برند.»

ضرورت تحقیق در باب غنا

الف) پیدایش موسیقی در انسان و جامعه‌ی انسانی به نیروی غریزه‌آمیزی برمی‌گردد. موسیقی به‌سان شعر و نقاشی و دیگر هنرها، ریشه در فطرت انسان دارد. ولی با گسترش جوامع و تمدن‌های بشری، پدیده‌ی موسیقی نیز دارای تحولات کمی و کیفی بوده و از عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ ملت‌ها به‌شمار می‌آید و به‌علت اینکه مسائل و عناصر فرهنگی از شاخصه‌های اصلی هر ملتی محسوب می‌شود، لذا در طول تاریخ بشریت استعمارگران و سلطه‌خواهان همواره درصدد برآمده‌اند تا به‌وسیله این هنر (موسیقی) ماهیت فرهنگی ملت‌ها را دگرگون کنند و آنها را از این طریق به خواری و بی‌هویتی بکشانند. (تهاجم فرهنگی در عصر حاضر نمونه بارزی از این امر به‌شمار می‌آید).

در طول قرن‌های متمادی تاکنون، روند تاریخی هنر موسیقی، تحولات مختلفی داشته است و چه‌بسا در بعضی دوران‌ها همین هنر عظیم بشری، به پست‌ترین مبتذل‌ترین حالات خود رسیده و فرهنگ ملتی یا ملت‌هایی را مسخ کرده و آنها را از جاده استقلال فرهنگی، اخلاقی و سیاسی و اقتصادی دور کرده است. اسلام با این سیمای مسخ‌شده موسیقی به شدت مبارزه و مخالفت کرده و از گسترش آن ممانعت به عمل آورده است.

(ب) درباره موسیقی علما و فقهای اسلام نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند و این اختلاف آرا بعضاً ماحدی است که در جامعه امروزی به خصوص با پیشرفت علم و تمدن جدید، مسلمانان با ابهامات و سؤالات زیادی مواجه شده‌اند، اینکه تکلیف ما در قبال انواع موسیقی‌ها چیست؟ آیا گوش دادن به آنها حلال است یا حرام؟ موسیقی غنایی کدام است و محدوده و گسترش آن چیست؟ کجاست؟ موسیقی غیرغنایی چیست و وجه تمایز این دو کدام است؟ آیا زمان و مکان و شرایط ثانویه در احکام اولیه موسیقی تأثیری می‌گذارند یا خیر؟ و ده‌ها سؤال دیگر...

برای پاسخ دادن به این قبیل سؤالات آرای ابراز و تألیفاتی نظیر مکاسب شیخ اعظم انصاری^(۵) و همچنین تحقیقاتی انجام گرفته است. از جمله می‌توان به کتاب‌هایی اشاره کرد که در آنها نظرات بعضی فقها مقایسه و وجه اختلاف آنان بیان شده است. مانند کتاب‌های هشت گفتار پیرامون حقیقت موسیقی غنایی از اکبر ایرانی، مبانی فقهی، روانی موسیقی تألیف حسین میرزاخانی و کتاب سماع در تصوف تألیف دکتر اسماعیل حاکمی و... ولی با تألیف چنین کتاب‌هایی نمی‌توان اکتفا کرد که به تمامی سؤالات مطرح شده پاسخ کافی داده شده و هیچ جای بحث و تحقیق باقی نیست. هنر موسیقی از آن‌جایی که از یک طرف به نهاد درونی و فطرت انسانی برگشت دارد و از طرفی در جامعه سوءاستفاده‌هایی از آن شده و می‌شود و از طرف دیگر یکی از ابزارهای تهاجم فرهنگی قرار گرفته، لذا بیش‌ازپیش علما و محققان را برای کاوش و تحقیق فرامی‌خواند که با در نظر گرفتن تمام جوانب (نیاز فطری، روح، وسیله تعالی روحی، پرهیز از افتادن در منجلاب فساد و گناه، مقابله با تهاجم فرهنگی و...) نظر کارشناسی

دقیق و فراگیری ارائه نمایند و این انگیزه، نگارنده را برای انتخاب چنین موضوعی واداشت. باشد که با تعریف و تحدید کارشناسی مسائل موسیقی و غنا و تبیین مبانی فقهی آن گام مؤثری در پاسخگویی به سؤالات مطرح شده برداشته باشیم.

قسمت اول: علل عدم تبیین غنا در اعصار پیشین

۱- آمیختگی و مقرون بودن بعضی از آوازاها در مجالس زمان امویان و عباسیان به امور حرام؛ از جمله اجتماع مردان و زنان، بدون مراعات موازین اسلامی، رقص زنان در میان آنان و دیدساری و هرزگی آنها. این موارد برای مسلمانان متعهد کافی بود که از آن پرهیز کنند و بدین جهت نیازی به تبیین کامل حدود آن نبوده است.

۲- سروکار نداشتن بوده با موضوع خوانندگی و تأثیر اندک آن در جامعه؛ زیرا تازمانی که رادیو و تلویزیون و سایر وسایل صوتی اختراع نشده بودند، موضوع آوازاها و سرودها و شعرها تا این پایه بر فرهنگ و روحیه و اخلاق مردم نفوذ و تأثیری نداشت. بدین جهت ضرورت تبیین دقیق احکام و حدود موضوع موسیقی غنایی تا اندازه کنونی احساس نمی شده است و از این رو آنها که از مفهوم و حدود آن آگاهی داشتند به صورت مشروح و مبسوط تدوین نکرده اند ولی امروزه به واسطه توسعه موسیقی با فرهنگ و روحیه مردم ارتباط تنگاتنگ یافته، ضرورت تدوین مفهوم و حدود آن، برای عالمان به شدت احساس می شود.

۳- آیت الله جنّاتی یکی از علل عدم تبیین غنا در اعصار پیشین را شیوه احتیاطی برخی فقها دانسته و می نویسد: «شیوه احتیاطی برخی فقها در معام بیان احکام موضوعات سبب شد که آرا و نظرات کارشناسی دقیق و علمی در شناخت موضوعات و حوادث واقعه، براساس منابع معتبر و به دور از عوامل ذهنی و خارجی موردبررسی قرار نگیرد. پس بر ظاهر روایات بدون توجه به دسته معارض با آنها بسنده کرده و حتی از تجدیدنظر خودداری گردید. موسیقی غنایی از مصادیق بارز این سخن است؛ زیرا فقیهی که خود در فن موسیقی تخصصی ندارد و یا از نظر افراد متخصص نیز استفاده نمی کند، در مقام استنباط دارای شیوه احتیاطی است. از این رو برخی فقها بدون کارشناسی و بررسی موضوع و مجموع ادله، اخباری را که دال بر حرمت و عدم

جواز غنا به گونه مطلق است اخذ کرده و طبق آنها حکم را احیاناً بر هر آواز خوشی مترتب می‌نمایند»^۱.

اما اگر فقیه، از این شیوه احتیاطی دست بردارد و مجموع اخبار و ادله را درباره این مسأله موردبررسی و نظر کارشناسی قرار بدهد تلاش خواهد کرد که موسیقی غنایی را براساس روش‌های علمی و با بررسی همه اخبار و با توجه به شرایط زمان صدور آنها (که در اواخر ایام امویان و عباسیان بوده) از موسیقی غیرغنایی باز شناسد و سپس احکام آن را بر صدا و آوازی که در شرع غنای حرام محسوب می‌شود، مترتب نماید.

قسمت دوم: تاریخ موسیقی

تاریخ پیدایش موسیقی به نطرت و غریزه آدمی برمی‌گردد. همچنان که شعر و شاعری و کلاً زیبادوستی با نطرت آدمی ارتباط مستقیم دارد. پس از آغاز زادروز انسان، موسیقی در او نمودار گشته هم‌خانار که در دیگر جانداران نیز ایجاد صداهای مختلف در حالات گوناگون خوشی و غریزی یا غریزی به‌شمار می‌رود. موسیقی در بعضی از حیوانات نیز مؤثر است. چنان‌که در شتر، آواز ساریان تأثیر فراوان می‌گذارد.

اما موسیقی از نهادهای طبیعی و غریزی به‌تدریج تکامل یافته و به عرصه‌های هنری به صورت کلاسیک پا گذاشته است. بعضی از انسان‌ها برای رفع خستگی و رسیدن به احساس‌های مطبوع و آرامش، آواز می‌خواندند و برخی برای تقویت یا تضعیف یک حالت روحی یا برای تغییر، تشدید فراموشی و تسکین آن و بعضی دیگر برای بیش‌تر حالت دادن به حکایات منظوم خود و ایجاد و تحریک تصور و تخیل شنونده، آواز و ترانه می‌خواندند. این‌گونه آواها کم‌کم از فردی به فرد دیگر و از زمانی به زمان دیگر و از قومی به قوم دیگر منتقل شده و پیشرفت کرده و تکامل یافته است و بدین ترتیب آهنگ‌های کلاسیک ساخته شد.

وقتی موسیقی‌دانان مشاهده کردند همراه ساختن آواز با آلات موسیقی آن را رساتر، درخشان‌تر و مطبوع‌تر می‌کند، لذا بر آن شدند در اجسام و ابزارهای مختلف نوت‌ها و نغمه‌هایی شبیه نغمه‌های آواز ایجاد کنند و بدین ترتیب موسیقی سازی در

کنار موسیقی آوازی شروع و تکامل یافت و انسان توانست که به انواع صداها و آهنگ‌های ملایم طبع و ناملایم را بسازد و از آنها در مواقع لازم استفاده کند. مثلاً در میدان‌های جنگ از صداها ی خیلی ریز و گوش‌خراش و آلاتی که آنها را ایجاد می‌کنند و برای انسان غیرطبیعی به‌شمار می‌روند استفاده کرد. این‌گونه صداها برای ایجاد ترس و وحشت به کار می‌روند. مثلاً زنگوله‌هایی که به دستور یکی از شاهان مصر قدیم به کار می‌رفت و با آلاتی که شاهان روم در قدیم به کار می‌بردند، همچنین پادشاهان ایران در لشکرکشی‌های خود، دسته‌ای از فریادزنان برای ایجاد وحشت در صفوف دشمن به همراه خود می‌بردند.^۱

نوازندگان آلات موسیقی با مطالعه آنها دریافتند که از بعضی از آنها می‌توان صداها و آهنگ‌هایی سوای آنچه بود پیدا کرد. صدای انسان قابل اجراست، به‌دست آورد، تا مانند آنها به گوش خوش آیند باشند. این گونه صداها علی‌رغم اینکه تمام ویژگی‌های صدای انسان را نداشت ولی به گوش طبیعی می‌رسیدند بدین‌گونه موسیقی سازی پدیدار گشت. فیثاغورث حکیم در سفرنامه خود می‌نویسد: «هنگام تاج‌گذاری داریوش ۳۶۰ زن جوان به شماره روزهای سال روانه پایتخت شدند و همگی با نغمه و آهنگ غنایی هم‌آواز گردیدند»^۲. همین شیوه در ایران باستان هنگام جشن و سرور رایج بود. از کارنامه اردشیر بابکان که در آن رویدادهای پایان‌آور اشکانیان بیان شده، برمی‌آید که هنر موسیقی و آموزش نوای خوش یکی از مواد آموزشی دبیرستان‌های ایران بوده است.^۳

در زمان ساسانیان هر روز خوانندگان و نوازندگان، دور معبد آتش جمع می‌شدند و سرودهایی را که از اوستا برمی‌گزیدند با آهنگ و نغمه غنایی می‌خواندند. اوج موسیقی غنایی در زمان خسرو پرویز بود و بنابه نقل مورخین زمانی که به شکار می‌رفت دو هزار خواننده و نوازنده او را همراهی می‌کردند. شاهان ساسانی گاه برای نواختن یک قطعه کوتاه، پول‌های زیادی می‌دادند.^۴

۱. مجموعه سخنرانی‌های مهدی برکشلی، اندیشه‌های علمی فارابی درباره موسیقی، پژوهشگاه موسیقی‌شناسان ایران، مرداد ۱۳۵۷، ص ۹۶.

۲. سفرنامه، فیثاغورث، ترجمه یوسف اعتماسی، صص ۲۷ و ۳۸.

۳. زمینه شناخت موسیقی ایران، گزارش فریدون جنیدی، ص ۱۱۸.

۴. کیهان اندیشه، شماره ۶۸، ص ۱۳۸.